



کامبیز زورزی

حقوق دان

مسدودکردن اینترنت بین‌المللی و پس از آن فروش چیزی به نام اینترنت پرو، معمولی است که پاسخش را دولت باید بدهد؛ اما هم سخنگوی دولت و هم وزیر مربوطه خود را بی‌خبر نشان می‌دهند. فروشنده اصلی اینترنت پرو، شرکت ارتباطات سیار یا ایرانسل و رایتل نیز اینترنت پرو می‌فروشند. بنا بر اطلاعات موجود، ۸۴ درصد سهام شرکت همراه اول متعلق به شرکت مخابرات است که دولت یکی از سهام‌داران اصلی آن است. همچنین سهام‌دار اصلی شرکت ایرانسل، شرکت گسترش الکترونیک ایران است که بنیاد مستضعفان سهام‌دار اصلی آن است. صد درصد سهام شرکت رایتل نیز متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی، شستا است که متعلق به سازمان تأمین اجتماعی، یعنی از زیرمجموعه‌های وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی است. هر سه شرکت زیرساخت اینترنت مورد نیاز خود را از شرکت ارتباطات زیرساخت تأمین می‌کنند. چنان‌که به سادگی پیداست، دولت از دو راه در فعالیت این سه شرکت مسلط است یا حضور و اطلاع دارد؛ نخست از طریق شرکت ارتباطات زیرساخت که تأمین‌کننده اینترنت آنهاست و دوم از طریق سهام و نمایندگانی که در این شرکت‌ها دارد. وزارتخانه‌های ارتباطات، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دفاع در این شرکت‌ها حضور مستقیم دارند. علاوه بر اینها، جایی به نام سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی وجود دارد که نقشی بسیار اساسی در رگولاتوری و سازماندهی اینترنت در ایران دارد و یکی از وظایف مهم آن تعیین و نظارت بر تعرفه‌ها و حمایت از حقوق کاربران است.

رئیس این سازمان، معاون وزیر ارتباطات است که با حکم وزیر منصوب می‌شود.

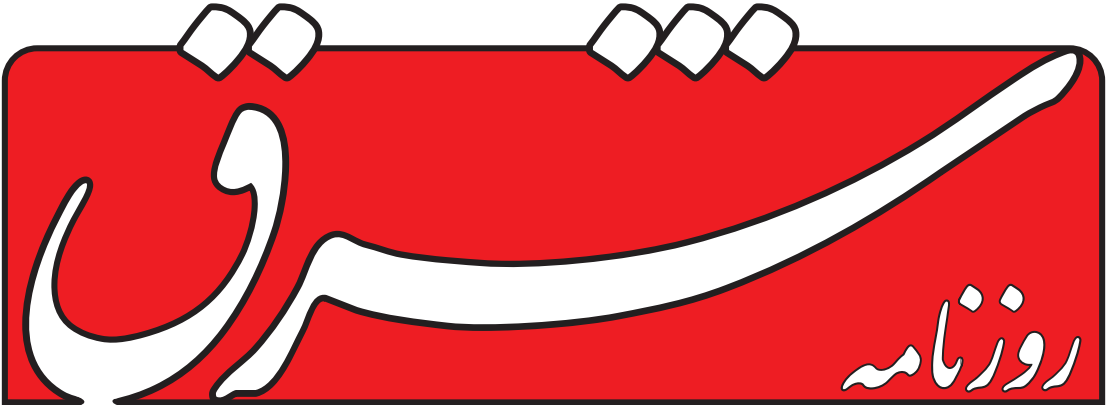
در نقد پاسخ ساترا؛ وقتی اقتدار خود را صلاحیت می‌نامد

سرپرست پیشین دادرسی فرهنگ و رسانه و قاضی دیوان عدالت اداری

درد، دست‌سبکی می‌گفت «هرکس قدرت دارد، میل به توسعه آن نیز در او وجود دارد». شاید هیچ گزاره‌ای به اندازه این هشدار کلاسیک، وضعیت امروز متنازع بر سر ساترا و نمایش خانگی را توضیح ندهد. مسئله اصلی این اختلاف، صرفاً نزاع میان چند نهاد اداری نیست؛ مسئله بر سر یک پرسش بنیادین است: آیا می‌توان از دل مفهومی مبهم و محل اختلاف به نام «صوت و تصویر فراگیر»، صلاحیتی انحصاری و توسعه‌پذیر استخراج کرد و سپس آن را به تمام قلمرو رسانه‌های نوین تسری داد؟ پاسخ اخیر ساترا، بیش از آنکه اثبات یک صلاحیت روشن قانونی باشد، تلاشی است برای تبدیل «تفسیر» به «بادهت». متنی سرشار از اصول قانون اساسی، نظریات تفسیری، ابلاغیه‌ها، مصوبات شورایی، قوانین بودجه و آرای قضائی که در ظاهر می‌کوشد یک صلاحیت قطعی و غیرقابل تردید را تصویر کند، اما در واقع بر یک پیش‌فرض اثبات‌نشده استوار است؛ اینکه نمایش خانگی و خدمات VOD اساساً مصداق «صوت و تصویر فراگیر» هستند. حال آنکه اگر این مفهوم را نه سیاسی و نه‌ای، بلکه حقوقی و فنی تحلیل کنیم، دقیقاً همین نقطه، محل اصلی اختلاف و تردید است. در حقوق عمومی، صلاحیت اصل نیست، استثناست. نهاد عمومی تنها در حدود نص روشن و مضیق حق مداخله دارد، به‌ویژه زمانی که این مداخله با آزادی بیان، آزادی هنر و آزادی فعالیت اقتصادی مرتبط باشد. به همین دلیل، هرچا در حدود صلاحیت تردید وجود داشته باشد، اصل بر عدم توسعه آن است، نه گسترش اقتدار اداری. اما مسئله دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که ساترا می‌کوشد مفهوم «فراگیر» را آن‌قدر توسعه دهد که تقریباً هر محتوای ویدئویی در فضای مجازی را در بر گیرد، در حالی که نزاع اصلی اساساً بر سر همین واژه است؛ «فراگیر».

۳۳
ادامه‌در
صفحه
۶

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵
۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۲۰ می ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۳۹۰
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



جواد مجابی
در بیمارستان بستری شد



نمایش قدرت پکن با میزبانی از رهبران واشینگتن و مسکو

بلوک ضد غرب در شرق

گزارش تیسریک راد صفحه ۴ بخوانید



بازار سرمایه ایران در موجی از تردیدها پس از ۸۰ روز از آغاز جنگ با کشایی شد

اشک‌ها و لبخندهای بورس

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید

چرخه معیوب ارز و تورم؛ یک دهه بی‌ثباتی



محمد رضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

نتیجه این عوامل برهم‌افزا، نرخ تورم از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ همواره بالای ۴۰ درصد باقی ماند. افزایش تورم نیاز به نقدینگی را افزایش داد و همان‌طور که کانتیلون و سپس کینز مطرح کرده است، رشد نقدینگی به طور درون‌زا فزونی یافت و یک چرخه تورم-نقدینگی شکل گرفت. با جایگزینی نرخ ارز ترجیحی ۲۸ هزارو ۵۰۰ تومانی به جای نرخ ارز چهار هزارو ۲۰۰ تومان، شوک ارزی رخ داده و میانگین نرخ ارز با رشد ۴۲ درصد در بازار آزاد به ۳۷ هزار تومان رسید و تورم نیز به ۵۳.۱ درصد افزایش یافت. در همان سال نیز نقدینگی رشد ۲۳.۱ درصدی را تجربه کرد. با وجود کنترل پایه پولی توسط دولت در سال ۱۴۰۲ اما با توجه به رشد ۳۸ درصدی نرخ ارز، نرخ تورم نیز ۴۷.۴ درصد شد. رشد کمتر نرخ ارز در سال ۱۴۰۳ نیز موجب کاهش نرخ تورم نسبت به سال قبل شد. در نتیجه، شوک‌های ارزی عامل مسلط تورم در دوران تحریم بوده است و بیشتر می‌توان رشد نقدینگی را معلول تورم و رشد تقاضای نقدینگی دانست. روند رشد تورمی و نااطمینانی‌ها نیز موجب رشد

سودجویی و التهاب تورم جنگ



ابوالفضل گرمایی

با وجود تورم افسارگسیخته که از دی‌ماه ۱۴۰۴ تاکنون روند تصاعدی به خود گرفته، مسئولان و کارشناسانی که بر گزاره‌های خنثایی چون «کسری بودجه عامل تورم است» یا «نقدینگی و نرخ ارز عامل تورم‌اند» اصرار دارند، در توضیح شرایط موجود و توجیه سیاست‌های فعلی، به دستاویز جدیدی چون «فضای روانی جنگ» متوسل شده‌اند. این گونه همه چیز به یک سواد استفاده مقطعی از شرایط جنگی- که باید با آن برخورد قضائی کرد- فروکاسته می‌شود. اگرچه در پس تحلیل‌های اقتصادی بازم همان گزاره‌های خنثی حکم‌اند، بدون اشاره به اینکه چه چیز رشد نقدینگی یا ایجاد کسری بودجه را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. فایده ارجاع به این گزاره‌های خنثی این است که می‌توان تا ابد تأثیر انفعال دولت و سیاست‌هایی مثل «خصوصی‌سازی بانک‌ها و صنایع مادر» را در ایجاد شرایط تورمی پنهان کرد، درحالی‌که روشن‌ترین اثر خصوصی‌سازی نهادهای مالی و صنایع مادر در کشوری مانند ایران، نابودکردن ابزار مدیریت اقتصاد و سپردن آن به دست سوداگران است. سوداگرانی که در غیاب برنامه‌ریزی اجتماعی (دولت)، هلدینگ‌های مالی و صنعتی را قبضه کرده‌اند و از گران‌سازی محصولات و ایجاد حباب‌های مالی سود می‌برند.

در اقتصادد که به جای «ارزش افزوده» از «التهاب» تغذیه می‌کند و بر گران‌سازی دارایی‌ها استوار است، از هیچ فرصتی برای سودبردن از بی‌ثباتی اجتماعی صرف‌نظر نخواهد شد. کوبی از ابتدا هم داستان «کار آفرینی» بیشتر یک استثنا بر قاعده «سوداگری» بوده است. زمانی که سفته‌بازی در بازار طلا و ارز سالانه تا ۲۰۰ درصد سود می‌دهد، ساده‌انگاری است که بخواهیم بنگاه‌های فراوری و توزیع مواد غذایی و مونتاژگران صنعتی به سود ۳۰ درصد قانع بمانند. سهم سودی که صاحبان صنایع برای خود فرض گرفته‌اند، مستلزم رشد قیمت کالاها تا ارقامی بالای ۱۵۰ درصد است و همین که تورم کل فروردین ۱۴۰۵ به ۷۵ درصد رسیده، معنای جز ناتوانی و چشم‌پوشی مردم از خرید برخی کالاهای غیرحیاتی ندارد. رشد قیمتی ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصدی برخی اقلام ضروری مثل برنج و روغن و سایر کالاهای اساسی در مقابل تورم ۵۰ درصدی غیرخوراکی‌ها به خوبی این را نشان می‌دهد. شرایط تورمی زمان جنگ دقیقاً همان نسقه‌ای است که دم خروس «سودجویی» بیرون می‌زند و تئوری‌های تورمی جریان مسلط به یکباره بوج می‌شوند. افشای میانجی‌بودن تمامی متغیرها از «نقدینگی» و «کسری بودجه» تا «نرخ ارز» در ارتباط بنیادین

انتظارات تورمی شد که خود عملی بر تورم و گرایش به هدایت نقدینگی به سمت اقتصاد دلالی و سفته‌بازی شد. از این رو، بی‌ثباتی‌های یادشده، تقاضای کنزی ارز و طلا را افزایش داد. رشد نرخ ارز هرچند درآمدهای ریالی دولت را افزایش می‌دهد، اما از سوی دیگر کاهش امکان صادرات نفتی و نوسانی بودن آن نمی‌تواند موجب افزایش مجموع درآمدهای ارزی دولت باشد و این در حالی است که به دلیل رشد تورم، هزینه‌های دولت افزایش یافته است. در نتیجه، کسری بودجه دولت در این سال‌ها تشدید شده است. بدهی دولت به بانک مرکزی و بانک‌ها رشد یافت. رشد بدهی دولت به بانک مرکزی و بانک‌ها با توجه به جنگ ۱۲ هزاره و پیامدهای ناشی از آن رشد چشمگیری داشته و به ترتیب در شهریور ۱۴۰۴، ۱۰۲۰۴ و ۴۲۰۷ درصد داشته و این امر نیز موجب رشد نقدینگی در شهریورماه به ۳۶.۸ درصد شد. کسری شدید دولت و عدم امکان این روند موجب شد دولت در هفتم دی‌ماه ۱۴۰۴، نرخ ارز را آزاد کرده و در آن زمان به ۱۴۰ هزار تومان رسید. و اکنون در ۲۹ اردیبهشت این نرخ به ۱۸۰ هزار تومان رسیده است. این امر ممکن است در کوتاه‌مدت تا حدی از فشار کسری بودجه بکاهد اما در چرخه تورم و نقدینگی موجب کسری بیشتر دولت خواهد شد و نارضایتی عمومی را افزایش خواهد داد. چنانچه داده است، این روند موجب تشدید چرخه و سرعت افزایش تورم به‌ویژه تورم غذایی شده است. بنابراین دولت هرچند در بلندمدت برای کنترل تورم نیازمند اصلاح ساختار بودجه، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است، اما در کوتاه‌مدت بر مدیریت بازار ارز باید تمرکز کند؛ زیرا هرگونه آزادسازی نرخ ارز بدون پشتوانه تولید و صادرات، فقط به افزایش تورم جهشی منجر خواهد شد.

«شرق» گزارش می‌دهد: ترامپ از تعویق دو تا سه‌روزه حمله به ایران گفت؛ روایت تازه از نقش کشورهای عربی در مهار جنگ

میانجی‌ها علیه جنگ

مدیریت بحران نیازمند فرماندهی واحد معاونت ریاست جمهوری یا وزارتخانه؟

جراحی بزرگ در مدیریت بحران

گزارش «شرق» از بررسی سلامت روان روزنامه‌نگاران بحران در ایران

ترومای خاموش در اتاق‌های خبر

روایت سارا فلاحی، نماینده مجلس از منطقه بساجنگ و معماری امارات:

هرکسی که قدرت دارد غرامت می‌گیرد

از کارآموز دیروز تا جنگ‌افروز امروز

یادداشتی از مهرداد دانش

بقا و هنر سازگاری



سیدجواد جمالی

کارشناس اقتصادی

برین جالی‌فیس و مکافی با قصد ارائه تصویری عینی از رشد تصاعدی، افسانه‌های مشهور از پادشاهی را که شیفته اختراع بازی شطرنج شده بود یادآوری می‌کنند که پرداخت پاداشی به مخترع آن پیش‌بینی‌ناپذیر کرد. مخترع در پاسخ از پادشاه خواست تا مقداری برنج برای سیرکردن خانواده‌اش به او بدهد. پادشاه نیز خیلی راحت پذیرفت و از مقدار نیاز او پرسید. آن مرد از پادشاه خواست تا تک‌دانهای برنج در خانه اول صفحه شطرنج او بگذارد و روی خانه بعدی دو‌دانه برنج و در خانه بعدی چهار‌دانه و به همین ترتیب در هر خانه‌های بعدی دانه‌های برنج را دو برابر کند. پادشاه موافقت خود را اعلام کرد، بدون اینکه حاصل دوبرابرشدن تدریجی تنها دانه‌ای از برنج در هر یک از ۶۳ خانه بعدی صفحه شطرنج را محاسبه کند. در نهایت حجمی معادل یک میلیارد میلیارد دانه برنج دریافت کرد که ناشی از معجزه رشد تصاعدی بود. این رشد تصاعدی در دنیای مدرن امروز ما نیز قابل مشاهده است. به صورت تصاعدی همه چیز در حال دگرگونی و تحول است. کارخانه‌ها و بنگاه‌های معتبر جهانی سالانه با شتاب بالا محصولات خود را به بازار عرضه می‌کنند. در قرون گذشته میان‌کسی که دهه‌ها یا حتی صدها سال قبل از دیگری می‌زیسته تفاوت چندانی وجود نداشت، برود و بعد از این مدت از خواب بیدار شود، دیگر با دنیای اطراف خود احساس غربت می‌کند. دنیای امروز را باید «عصر شتاب» نامید. در عصر حاضر همه‌چیز با شتاب فراوان تغییر می‌یابد. نته‌ها مسائل مربوط به تکنولوژی و فناوری، بلکه مسواری مانند تجارت و روابط اقتصادی، آداب اجتماعی، نحوه استراحت و تفریح و... مسیر مشابهی را طی کرده‌اند. جهانی شدن در تمام یاخته‌های هر انسان نفوذ کرده است. اینترنت و وسایل ارتباط جمعی باعث به نمایش گذاشته‌شدن سرعت تغییرات برای همگان در هر نقطه کره خاکی شده است.

۳۳
ادامه‌در
صفحه
۴